

تاریخ اردکان

می خورد و حاصل تبعات و رنج مولف است. مولف در این فصل تنها به توصیف اوضاع سیاسی اردکان در طی قرون اکتفا نکرده است، بلکه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی نیز پرداخته که این خود مزیتی برای نوشته او به شمار می رود. این جنبه در مباحث مربوط به دوره قاجار به بعد پررنگ تر می باشد.

از جمله اصطلاحات گوش خری (= مالیات، ص ۴۱) بازار حُسب (= نهبانان بازار در شب، ص ۴۵) چخ بُر (= دزد، ص ۴۵) ماشین سیمی (= اتومبیل، ص ۹۵) نکات جالبی است که خواننده در این کتاب با آنها آشنا می گردد، و یا ماجرای قزاقان دوره قاجار: «مشهور است در زمانی سرقت فراوان رخ داد و حکومت یزد ناگزیر نایب الحکومه اردکان را تعویض نموده و نایب الحکومه جدید پس از ورود به اردکان همان شب اول فرارشان حکومتی را بازداشت کرده و سرقت تمام شد!»^۲

از جمله اسناد جالبی که مولف به نقل آن پرداخته دو سند مربوط به نرخ های اجناس و خدمات مختلف در سال ۱۲۵۰ ه. ق است. «در این سال مرحوم محمد تبارکی اقدام به تعمیر اساسی مسجد جامع می نماید و هزینه های آن اعم از دستمزد و مصالح را کلاً روی یک کاغذ طومار ماندنی ثبت می نماید و این طومار توسط حاج سید محمد صیاب «حسینی پور» در اختیار مولف قرار داده شد و قیمت بعضی از مصالح و دستمزد کارگران بنا به شرح ذیل می باشد:

۱- خشت خام تحویل مسجد	هر هزار عدد	۳/۵ ریال
۲- خشت کلوخین تحویل مسجد	هر هزار عدد	۲/۸۵ ریال
۳- گچ برای پوشش سقف	۱۰۰۰ کیلو	۵ ریال
۴- شیرینی الوجهای	۱ کیلو	۱ ریال
۵- انار متوسط	۲۷ کیلو	۱ ریال
۶- هیزم	۴۵ کیلو	۱ ریال
۷- انار مرغوب	۲۰ کیلو	۱ ریال
۸- مایون	۱ کیلو	۱ ریال
۹- اجرت حفر یک حلقه چاه	۵ ریال و ۹ شاهی	
۱۰- ساز و ...	۲ عدد	۹ شاهی
۱۱- نظر میدی	۱۰ عدد	۲ ریال
۱۲- تباکو	۱/۵ کیلو	۴ ریال
۱۳- مزد بنا درجه یک	اربال و پنج شاهی	
۱۴- کارگر ماهر	۱۱ شاهی	
۱۵- کارگر نیمه ماهر	۵ شاهی	
۱۶- کارگر ضعیف	۳ شاهی	

شرح چگونگی ورود نخستین موسسات و مظاهر تمدنی جدید، از قسمت های جالب و خواندنی این کتاب است. در مجموع در بخش نخست کتاب خواننده به ویژه با روند توسعه و تغییر شهر اردکان در سده اخیر آشنا می گردد.

در فصل سوم و چهارم، نویسنده محترم قدم به قدم خواننده را به روستاهای اردکان می برد و با ذکر تاریخچه های مربوط به هر ده و مسجد و رباط و راه و غیره به توصیف اوضاع اجتماعی و تاریخی آنها می پردازد. از جمله کارهای ارزنده وی بازخوانی سنگ

در نخستین سال های پس از انقلاب تحقیقات درباره تاریخ های محلی و تک نگاری چندان به چشم نمی خورد اما به تدریج این نوع کارها باب شد و رو به گسترش نهاد، به طوری که هرچندگاه یکبار شاهد کتاب یا مقاله و یا پایان نامه ای در این زمینه هستیم.

تاریخ های محلی ضمن تقویت علائق محلی، موجب تعمیق حب وطن نیز می گردد و امید و تکاپو در دل و جان مردم را دو چندان می کند. واقعیت این است که ما، هم به وطن خود علاقه مندیم و هم به زادگاه خود. نگارنده به اقتضای مناسبات اداری خود بسیار شاهد علاقه مندی دبیران و دانش آموزان به انعکاس اخبار و اطلاعات شهر و دیارشان در کتاب های درسی بوده است.

تحقیقات محلی از یک دیدگاه زابیده همین احساس است. از طرفی در تحقیقات محلی فوایدی است که در نگارش تاریخ های دیگر نیست؛ در گوشه و کنار سرزمین کهن و پهناور ما آثار و اقوال و اسناد بسیاری است که ضابط و ثبت آنها، موجب حفظ و استمرار و احیای آنها می گردد. از جمله اطلاعات و اخباری است که معمولاً از طریق شفاهی بدان دست می یابند و اطلاعات مفیدی برای علم تاریخ و مردمشناسی فراهم می سازند.

«تاریخ اردکان» از جمله این نوع تحقیقات است که مولف محترم آن، ضمن سال ها مطالعه و گردآوری اسناد و منابع کتبی، از طریق رجوع به تک تک آبادی های دور و نزدیک اردکان و گفتگو با اهالی محل و نیز تهیه تصویر و غیره به نگارش آن توفیق یافته است.

جلد نخست این کتاب که به تحقیق درباره شهر اردکان و حومه آن اختصاص دارد در سال ۱۳۶۴ منتشر شد و جلد دوم که مورد بحث ماست تاریخ ۱۳۷۳ را بر شناسنامه خود دارد، هرچند به نظر می رسد توزیع آن قدری دیرتر از این تاریخ صورت گرفته است.

این کتاب شامل سه فصل است با این عنوان ها:

فصل نخست: موقعیت جغرافیائی اردکان

فصل دوم: سبزی در تاریخ شهر اردکان

فصل سوم: بخش مرکزی

فصل چهارم: بخش خراتق

در فصل نخست نویسنده سیمایی از اوضاع آب و هوایی، کوه ها، رودها، راه ها، معادن و غیره اردکان ترسیم کرده و در فصل دوم، تاریخ شهر اردکان و اطراف آن را از ابتدا تا عصر حاضر مورد بررسی قرار داده است. برخی مطالب این فصل، در منابع تاریخی کمتر به چشم

■ تاریخ اردکان

■ علی سپهری اردکانی

■ لردکان انتشارات حنین

■ جلد دوم، ۱۳۷۴، ۲۶۴ ص



● مسعود جوادیان



مسالك الابصار في ممالك الامصار بزرگترین اثر جغرافیای تاریخی تألیف شده بوسیله مسلمانان

● دکتر عبدالرسول خیراندیش

هیئت علمی دانشگاه شیراز

خود در چند موضع و با تفصیل از خاندان چنگیز خان صحبت کرده است. او در مبحث تاریخ مغول دارای این ویژگی است که در تعارض میان خاندان‌های فرزندان چنگیز (الوس اربعه) جانب خاندان جوچی (اردوی زرین یا مغولان روسیه) را می‌گیرد. این خلدون نیز در العبر به همین نحو عمل کرده است که این خود تأثیر کامل و مشخص این فضل الله بر تاریخنگاری ابن خلدون را نشان می‌دهد.^۲

موطن و مولد ابن فضل الله شام بوده است و در همان حال روزگاری را در مصر نیز به سر برده است. آن زمان مصر و شام مجموعاً مملکت ممالیک مصر را تشکیل می‌داد این دولت که از ۶۴۰ هـ / ۱۲۵۲ م. تا ۹۲۲ هـ / ۱۵۱۷ م. حیات و حکومت داشته در طول تاریخ بالنسبه طولانی خود با مغولان ایران (ایلخانان، از خاندان تولوی) در امتداد فزات هم مرز بوده و جنگ‌های طولانی و مناقشات پی در پی را از سر گذارند. لذا در سیاست خارجی خود دوستی و اتحاد با خاندان جوچی در روسیه را سر لوحه عمل خود قرار داد تاریخنگاری ابن فضل الله و ابن خلدون در باب تاریخ مغولان در اساس متأثر از دیدگاه سیاسی دولت ممالیک در مورد مغولان ایران و روسیه و بالطبع جانبداری از خاندان جوچی بود آنان هر چند مسلمان شده و پیوند استواری با ممالیک که خلافت عباسی را نیز احیا کرده بودند، داشتند اما مدعی بودند که وارث واقعی چنگیز خان هستند و غرب آسیا بنا بر وصیت او به خاندان جوچی می‌رسد. تداوم واردات برده از قفقاز و سواحل دریای سیاه که اساس توان نظامی ممالیک را تشکیل می‌داد نیز بر توسعه و تحکیم این روابط می‌افزود. لذا در مباحث تاریخی و جغرافیایی کتاب مسالك الابصار انعکاس اوضاع زمان را به خوبی می‌توان دید.

مصر و شام روزگار ممالیک فقط تجربه مغولان در قرن هفتم و قسمتی از قرن هشتم را شاهد نبوده است بلکه زوال سلجوقیان روم، تجزیه دولت ایلخانی، پیدایش دولت ایلکانی (جلایری) در عراق عرب،

کتاب مسالك الابصار في ممالك الامصار را که در بیست و هفت جلد به وسیله ابن فضل الله العمري در قرن هشتم تألیف شده است می‌توان پرچم‌ترین کتاب در باب جغرافیای تاریخی به شمار آورد. هر چند زمانی که ابن فضل الله این کتاب را که مشتمل بر مباحث جغرافیایی، تاریخی، رجال، علوم و طبیعیات است فراهم می‌آورد در حقیقت به تدوین دانش عصر خویش اهتمام می‌ورزید، اما اکنون پس از گذشت هفت قرن که همراه با تحول اوضاع و تبدل احوال در جمیع جهات زندگی مسلمانان بوده اثر او مبدل به غنی‌ترین و جامع‌ترین منبع و مأخذ جغرافیای تاریخی شده است. با این حال چون این اثر با ارزش تاکنون از چشم بسیاری از اهل تحقیق در کشور ما به دور مانده است به معرفی اجمالی آن به شیوه‌ای توصیفی اقدام می‌شود.

مؤلف مسالك الابصار في ممالك الامصار، شهاب‌الدین احمد بن یحیی بن فضل الله العمري در سال ۷۰۰ هـ / ۱۳۰۱ م. در دمشق به دنیا آمد. او در مصر به کسب دانش پرداخت و سپس در زادگاه خود، دمشق متصدی مشاغل و وظایفی شد و در سن چهل و نه سالگی، به سال ۷۴۹ هـ / ۱۳۴۹ م. در همان شهر درگذشت.^۱ با وجود چنین عمر کوتاهی او از سرآمد دانشمندان عصر خود بوده است و کتاب عظیم او از کثرت دانش وی حکایت می‌کند. در این باره می‌توان بدین نکته اشاره کرد که ابن خلدون (۸۰۸ - ۷۳۲ هـ) در تألیف کتاب تاریخ معروف خود به نام العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ايام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر که به اختصار العبر یا تاریخ ابن خلدون موسوم شده از کتاب ابن فضل الله استفاده بسیار کرده است. چنان که در مبحث تاریخ مغول می‌نویسد: شهاب‌الدین احمد بن یحیی بن فضل الله از شمس‌الدین اصفهانی که امام علوم معقول در شرق است و دانش خویش را از نصیرالدین طوسی گرفته است گوید...^۲

ابن فضل الله در عصر مغول می‌زیسته و در کتاب

بنای مساجد و سنگ قبرهای بسیاری است که در گوشه و کنار اردکان وجود دارد و هریک از قدمتی تاریخی برخوردار است و شناسنامه این منطقه از خاک کشورمان محسوب می‌گردد. همچنین نویسنده با سه صدر، هر جا که اقتضای بحث بوده به ذکر تاریخچه‌های مربوط به زردشتیان، و توصیف فعالیت‌های اجتماعی آنان پرداخته است.

یادآوری نکاتی در باب تاریخ اردکان خالی از فایده نیست:

۱- جلد نخست تاریخ اردکان به شهر اردکان و اطراف آن اختصاص یافته و بر طبق «یادداشت مؤلف» جلد دوم قرار بود به بخش مرکزی (عقدا و توابع) و نیز بخش خرانق اختصاص داشته باشد، در حالی که در جلد حاضر علاوه بر ارائه مطالب مربوط به دو بخش مذکور، طی دو فصل به تشریح اوضاع جغرافیائی و تاریخی اردکان پرداخته است که اغلب برگرفته از جلد نخست است.

۲- با آنکه نویسنده محترم، اثر خویش را به تصاویر زیادی از بناها مزین کرده و تا گفته پیداست که تهیه این همه عکس خود رنج بسیاری را مصروف ساخته است، متأسفانه بسیاری از آنها از کیفیت خوبی برخوردار نیست و البته بر ما پوشیده است که خطاب این سخن باید با نویسنده باشد یا ناشر.

۳- در فصل دوم (ص ۶۵) مؤلف به شرح ماجرای قتل مظلومانه ابوطالب اردکانی در مکه (سال ۱۳۲۲) توسط سعودی‌ها پرداخته است. به نظر می‌رسد اصل تصاویر مربوط به این ماجرا ساختگی و مونتاژ است.

۴- علاوه بر آن که اغلاطی چند بر چاپ این کتاب راه یافته (صص ۳۳، ۸۳، ۹۲، ۱۰۸) متأسفانه صفحاتی از پایان آن از قلم افتاده، به طوری که کتاب به صورتی اتر پایان می‌یابد. باید نویسنده بود تا توانست احساس مولف را در این گونه مواقع درک کرد. نوشته‌ای که با رنج و مرارت بسیار برای چاپ فرستاده می‌شود وقتی درین صورت ارائه گردد، خستگی مؤلف را بر تن او ابقا می‌کند، بعلاوه لازم بود برای چنین اثری فهرست اعلام تهیه کنند تا راهنمای اهل تحقیق باشد.

۵- در ص ۹۸ از قول آیتی، مؤلف «تاریخ یزد» آمده است: «اردکان قصبه بزرگی است. مخصوصاً پس از تاسیس سلطنت «منجوس» پهلوی که وسائط نقلیه تکمیل شد و...» عین عبارت آیتی چنین نیست بهتر بود آقای سپهری اگر هم تعریض بر سخن وی داشت، به گونه دیگری آن را بیان می‌نمود.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- یزد، کانون کتاب ولی عصر عیج اردکان با همکاری اداره کل ارشاد اسلامی یزد، ۱۳۶۲
- ۲- ص ۴۵
- ۳- صص ۲- ۵۲
- ۴- ۹۱ و مابعد
- ۵- تاریخ اردکان، ج ۱، ص ۷.